

۱۲۱۰۱۴۸

۹۴۸۱۳۰

اشد الرحمان

نصاب و اثرگان کوشش های شهر ما و روستاهای استان سمنان

دفتر اول

به اهتمام: محمدرضا جدیدی



انتشارات حبله رود

۱۳۹۴

سرشناسه	جدیدی، محمدرضا، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	نصاب واژگان گویش‌های شهرها و روستاهای استان سمنان / به اهتمام محمدرضا جدیدی؛ به سفارش مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان.
مشخصات نشر	سمنان: حبله رود، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۸۷ ص.
شابک	ج ۱: ۸-۴۶-۵۷۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	واژه‌نامه
موضوع	سمنانی
شناسه افزوده	مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ج ۴۴ / س ۷۲ / PIR ۳۲۷۹
رده بندی دیوینی	م غ ۹۶۹
شماره کتاب‌شناسی ملی	۳۰۶۰۵۵۷



انتشارات حبله رود

نصاب واژگان گویش‌های شهرها و روستاهای استان سمنان

محمدرضا جدیدی

آوانگاری: احسان ابراهیمیان

صفحه آرا: محمدتقی رهبری فرد

طرح روی جلد: کانون تبلیغاتی پرنیان، حامد مداح

به همراه لوح فشرده با صدای سرایندگان اشعار

شابک: ۸-۴۶-۵۷۶۴-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: حبله رود سال نشر: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: پانزده هزار تومان

مراکز فروش: دفتر مؤسسه سمن بویان سمنان و فروشگاه‌های معتبر کتاب شهر سمنان

این اثر به همت مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان، حوزه هنری استان سمنان و میراث فرهنگی،

صنایع دستی و گردشگری استان سمنان منتشر شده است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه / دکتر فریدون اعوانی.....	۷
ادبیات تعلیمی / منصور فرزاملی راد.....	۱۴
نصاب الصببان.....	۱۴
روش آوانگاری.....	۱۶
نصاب واژگان سمنانی.....	۲۷
نصاب سمنانی (۱) سروده محمد باقر تیری (پدر نصاب سمنانی).....	۳۱
نصاب سمنانی (۲) سروده فرهنگ شکوهی.....	۳۳
نصاب سمنانی (۳) هُتونه سروده فرهنگ شکوهی.....	۳۹
نصاب سمنانی (۴) سروده رحیم معاریان.....	۴۳
نصاب سمنانی (۵) سروده مصطفی ترحمی.....	۴۹
نصاب سمنانی (۶) سروده مصطفی ترحمی.....	۵۴
نصاب جناس سروده مصطفی ترحمی.....	۶۱
جدول آوانویسی واژه‌های سمنانی.....	۶۳
نصاب واژگان سرخه‌ای.....	۷۷
نصاب سرخه‌ای (۱) سروده عباسعلی اسلامی.....	۸۰
نصاب سرخه‌ای (۲) سروده رضا مهربان.....	۸۳
جدول آوانویسی واژه‌های سرخه‌ای.....	۹۶
نصاب واژگان روستاهای امامزاده عبدالله و ایچ.....	۱۰۵
نصاب امامزاده عبدالله و ایچ سروده رضا مهربان.....	۱۰۸
جدول آوانویسی واژه‌های امامزاده عبدالله و ایچ.....	۱۱۲
نصاب واژگان بیابانکی.....	۱۱۵
نصاب بیابانکی (۱) سروده ابوالحسن چلویان.....	۱۱۸
نصاب بیابانکی (۲) سروده مجید صبوری.....	۱۲۰
نصاب بیابانکی (۳) سروده مجید صبوری.....	۱۳۰
جدول آوانویسی واژه‌های بیابانکی.....	۱۳۴

۱۴۹	نصاب واژگان لاسگردی
۱۵۲	نصاب لاسگردی سروده عباسعلی حیدریان لاسگردی
۱۵۵	جدول آوانویسی واژه‌های لاسگردی
۱۵۹	نصاب واژگان افتری
۱۶۲	نصاب افتری (۱) سروده جعفر زیاری
۱۶۵	نصاب افتری (۲) سروده مجید صبوری
۱۶۹	جدول آوانویسی واژه‌های افتری
۱۷۵	نصاب واژگان اروانه‌ای
۱۷۸	نصاب اروانه‌ای سروده عباس داوودی
۱۸۱	جدول آوانویسی واژه‌های اروانه‌ای
۱۸۳	نصاب واژگان مؤمن آبادی
۱۸۶	نصاب مؤمن آبادی سروده مجید صبوری
۱۸۹	جدول آوانویسی واژه‌های مؤمن آبادی
۱۹۱	نصاب واژگان سنگسری
۱۹۵	نصاب سنگسری سروده فرهاد صابئی فرد سنگسری
۲۱۳	جدول آوانویسی واژه‌های سنگسری
۲۲۳	نصاب واژگان شهیمیرزادی
۲۲۶	نصاب شهیمیرزادی سروده عبدالله قاسمی شهیمیرزادی
۲۳۶	جدول آوانویسی واژه‌های شهیمیرزادی
۲۳۹	نصاب واژگان چاشمی
۲۴۲	نصاب چاشمی سروده سید صادق نبوی چاشمی
۲۵۳	جدول آوانویسی واژه‌های چاشمی
۲۵۹	نصاب واژگان پروری
۲۶۲	نصاب پروری سروده محمدرضا گودرزی پروری
۲۶۵	جدول آوانویسی واژه‌های پروری
۲۶۹	نصاب واژگان شاهرودی
۲۷۲	نصاب شاهرودی (۱) سروده جواد حسینیان
۲۷۴	نصاب شاهرودی (۲)
۲۷۵	نصاب شاهرودی (۳) سروده مرتضی عرب‌حجی
۲۷۷	جدول آوانویسی واژه‌های شاهرودی
۲۷۹	نصاب واژگان بسطامی

۲۸۳.....	نصاب بسطامی سروده احمد سعید ابراهیمی.....
۲۸۸.....	جدول آوانویسی واژه‌های بسطامی.....
۲۹۱.....	نصاب واژگان مجنی.....
۲۹۵.....	نصاب مجنی سروده فاطمه حسینی.....
۲۹۷.....	جدول آوانویسی واژه‌های مجنی.....
۲۹۹.....	نصاب واژگان خرقانی.....
۳۰۶.....	نصاب خرقانی سروده حسین رجبی.....
۳۰۸.....	جدول آوانویسی واژه‌های خرقانی.....
۳۰۹.....	نصاب واژگان دامغانی.....
۳۱۲.....	نصاب دامغانی (۱) سروده عباسعلی حیدریان لاسگردی.....
۳۱۴.....	نصاب دامغانی (۲) سروده غلامعلی نادعلی زاده.....
۳۱۶.....	جدول آوانویسی واژه‌های دامغانی.....
۳۲۱.....	نصاب واژگان دیباجی.....
۳۲۴.....	نصاب دیباجی سروده مجید صبوری.....
۳۲۶.....	جدول آوانویسی واژه‌های دیباجی.....
۳۲۹.....	نصاب واژگان تویه‌درواری.....
۳۳۳.....	نصاب تویه‌درواری سروده رمضان رستمیان و محمد اسماعیل کلاتتری.....
۳۳۶.....	جدول آوانویسی واژه‌های تویه‌درواری.....
۳۳۹.....	نصاب واژگان ایوانکی‌ای.....
۳۴۲.....	نصاب ایوانکی‌ای سروده مجید صبوری.....
۳۴۵.....	جدول آوانویسی واژه‌های ایوانکی.....
۳۴۷.....	نصاب واژگان الیکایی.....
۳۵۱.....	نصاب الیکایی (۱) سروده حمزه گیلوری.....
۳۵۲.....	نصاب الیکایی (۲) سروده مجید صبوری.....
۳۵۵.....	جدول آوانویسی واژه‌های الیکایی.....
۳۵۹.....	نصاب واژگان طبری.....
۳۶۳.....	متن نصاب طبری سروده امیر تیمور.....
۳۸۴.....	واژه‌هایی یکسان در سمنان و مازندران از نظر معنی و تلفظ و کاربرد (فرهنگ شکوهی).....
۳۸۶.....	تصویر شاعران این کتاب.....

پیشگفتار

استان سمنان سرزمینی است پهناور، متشکل از کویر و دشت و جنگل و کوهستان که از جنوب به کویر مرکزی ایران و راه باستانی جاده ابریشم، از شمال به سلسله کوه‌های البرز، از غرب به استان تهران و از شرق به استان خراسان محدود می‌شود. استان سمنان که «سرزمین گویش‌ها» نام گرفته، یکی از مناطق مهم و مستعد برای پژوهش‌های زبان‌شناختی است. تنوع گویش‌ها و لهجه‌ها بسیار چشمگیر و واژگان و قواعد دستوری آن‌ها بیانگر دیرینگی و پایداری و رابطه تنگاتنگ آن‌ها با زبان‌های باستانی است.

متأسفانه تاکنون برنامه‌ای جامع و کامل برای شناسایی، بررسی، تجزیه و تحلیل و ضبط همه گویش‌ها و لهجه‌های استان سمنان تدوین نشده و اگر این کار هر چه زودتر صورت نگیرد در آینده‌ای نه چندان دور این گویش‌ها به دست فراموشی سپرده خواهد شد و اثری از این گنجینه و میراث تاریخی، ادبی و فرهنگی برجای نخواهد ماند و همان گونه که ما به بی‌توجهی و اهمال گذشتگان معترضیم، خود نیز مورد سرزنش آیندگان قرار خواهیم گرفت.

بنابراین هر گونه تلاش و کوشش در جهت شناخت و ضبط و حفظ گونه‌های مختلف گویش‌ها به ویژه گویش سمنانی، پیش از آنکه گویش‌وران اصیل آن‌ها از دست بروند، کاری شایسته و مبارک است. از این رو با توجه به قدمت و ارزش

تاریخی و فرهنگی گویش‌های منطقه‌ای استان سمنان که ریشه در زبان‌های باستانی دارد، موسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان در راستای اهداف و فعالیت‌های خود پس از تدوین و چاپ کتاب «نصاب واژگانی سمنانی» سروده محمد باقر نیری و فرهنگ شکوهی که در مجموع حدود ۸۰۰ بیت و بیش از هزار واژه در آن به کار رفته بود، در سال ۱۳۹۰ به همراه لوح فشرده مورد استقبال فرهنگ دوستان، زبان‌شناسان و شاعران بومی سرا قرار گرفت و این مؤسسه را بر آن داشت تا مجموعه‌ای دیگر از اشعار نصاب واژگان گویش‌های شهرها و روستاهای استان سمنان را تدوین و چاپ نماید تا گامی هر چند کوچک در این راستا برداشته باشد.^۱

فواید گردآوری گویش‌ها

- ۱- بررسی در این گویش‌ها و گردآوری واژه‌های آن‌ها چند سود ذیل را در بر دارد:
 - ۱- واژه‌های محلی از نوع نام درختان، گیاهان، ماهیان، پرندگان و جانوران در این گویش‌ها دیده می‌شود که در زبان فارسی بدانها نیاز است.
 - ۲- برخی واژه‌های باستانی در این گویش‌ها هنوز کاربرد دارد که با گردآوری آن‌ها گاهی معنی و خواندن نوشته‌های باستانی ایران روشن‌تر می‌گردد.
 - ۳- با در نظر گرفتن چگونگی صرف و نحو و بدل شدن صداها در گویش‌های ایرانی بسیاری از نکته‌های تاریک و دشوار زبان شناسی و همچنین رابطه زبان‌های

۱- لازم به ذکر است کتاب واژه نامه گویش باستانی که شامل دوازده هزار واژه سمنانی می‌باشد به کوشش استاد پرویز پژوم شریعتی و محمد حسن جواهری کاری ارزنده و نیکو در ثبت و حفظ واژه‌ها در سال ۱۳۸۷ به زیور طبع آراسته شد و کتاب تاریخچه دو هزار ساله گویش باستانی سمنانی به قلم استاد پژوم شریعتی و استاد ذبیح الله وزیری در ابتکاری دیگر با حمایت و سفارش فرهنگستان زبان و ادب پارسی کلیه واژه‌های فارسی را به سمنانی به نام «گنجینه ای از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی به گویش سمنانی» (مجموعه دو جلدی) جمع آوری نمودند که تا سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات آبرخ به زیور طبع آراسته خواهد شد.

آریایی با یکدیگر و با زبان‌های دیگری که زیر نفوذ زبان‌های ایرانی بوده‌اند روشن می‌شود.

۴- بسیاری از نام جای‌ها و مردم به گویشی است که در آن جای‌ها و آن مردم به آن سخن می‌گویند یا می‌گفتند و به یاری آن گویش می‌توان به معنی و اصل و ریشه این نام‌ها پی برد.

۵- بازشناسی لغت‌های کهن و نادر در متون ادب فارسی یا متون بازمانده از دیگر زبان‌های ایرانی که به فارسی امروز نرسیده است.

۶- آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، واجی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگان در طول زمان در مناطق مختلف.

مجموعه اشعار نصاب واژگان گویش‌های شهرها، روستاها و ایلات استان سمنان، بهانه‌ای برای زنده کردن و ثبت واژه‌های فراموش شده و کاربرد صحیح و به جای آن‌هاست.

گونه، لهجه، گویش، زبان

«گونه»، «لهجه»، «گویش» و «زبان» چهار اصطلاح پایه و پر کاربرد در زبان شناسی اند که درباره مفاهیم علمی و دقیق آن‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد. آنچه به اجمال می‌توان گفت این است که «گونه» اصطلاحی خنثی است که می‌توان آن را بدون تأکید بر لهجه یا گویش یا زبان بودن آنچه بدان تکلم می‌شود، به کار برد.

اصطلاح «لهجه» هنگامی به کار می‌رود که تفاوت میان دو یا چند گونه یک زبان اساساً آوایی / واجی باشد. سخنگویان لهجه‌های یک زبان به آسانی می‌توانند سخن یکدیگر را دریابند.

«گویش» های یک زبان گونه‌هایی از آن زبان اند که در گذر زمان به دلایل مختلف تفاوت‌هایی آوایی / واجی، دستوری و واژگانی با یکدیگر یافته‌اند، با وجود این، برقراری ارتباط میان گویندگان و شنوندگان گویش‌های مختلف یک زبان کم و بیش ممکن است. اما اگر تفاوت میان دو گونهٔ زبانی به اندازه‌ای باشد که برقراری ارتباط را ناممکن سازد، آن دو گونه، دو «زبان» متفاوت هستند.

لهجه‌های یک زبان در طول تاریخ با دور شدن از یکدیگر به تدریج به گویش‌های آن زبان بدل می‌شوند. اگر گویش‌های یک زبان نیز در گذر زمان چنان از یکدیگر دور شوند که امکان برقراری ارتباط میان سخنگویان آن‌ها از میان رود، به زبان‌های مختلف بدل می‌شوند.

شایان ذکر است که در علم جامعه‌شناسی زبان، اصطلاح «گویش اجتماعی» نیز کاربرد دارد. گویش‌های اجتماعی گونه‌هایی هستند که در میان طبقات اجتماعی با بنیادهای اقتصادی - فرهنگی مشترک رواج دارند. آنچه در این راهنما مد نظر است، گویش‌های محلی است، نه گویش‌های اجتماعی.

ویژگی‌های گویشور

گویشور کسی است که گویشی را به عنوان زبان مادری خود به کار می‌برد و نمایندهٔ یک جامعه زبانی به شمار می‌رود. در انتخاب گویشوران باید به نکات زیر توجه کرد:

- مناسب‌ترین گویشوران افراد سالخورده و بی سواد هستند که در همان سرزمین به دنیا آمده و کمتر به اطراف سفر کرده‌اند.
- گویشور باید از نظر شنوایی سالم باشد.

- گویشور باید تلفظی واضح و بیانی روان داشته باشد.

- در شرایط مساوی، اولویت با گویشورانی است که علاقمند، شکیبا، تیزهوش، خوش صحبت و دارای سرعت انتقال و حافظه خوب باشند.

- در پژوهش‌های ژرف‌تر می‌توان در صدی از گویشوران را از میان افراد تحصیل کرده برگزید.

ویژگی‌های پژوهشگر

پژوهشگری که قصد گردآوری و بررسی گویش‌ها را دارد، باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

- آشنا با مبانی زبان شناسی، به ویژه آوا شناسی، صرف، نحو و معنی شناسی.

- آشنا با جامعه گویشی و فرهنگ گویشوران، تا به آسانی در جامعه مورد مطالعه پذیرفته شود.

- آشنا با چگونگی برقراری روابط مناسب اجتماعی

- آماده برای رویارویی با مسائل و مشکلات احتمالی در جامعه مورد مطالعه.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از زحمات بی دریغ اساتید و شاعران بومی سرا که در تهیه این مجموعه همکاری لازم را داشتند، همچنین جناب آقای مهندس حسین خواجه بیدختی مدیر کل محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان، جناب آقای سید عباس دانایی رئیس محترم حوزه هنری استان سمنان، جناب آقای سعید قادر زاده رئیس محترم شورای اسلامی روستای مؤمن آباد، جناب دکتر فریدون اعوانی (دکترای زبان شناسی)، علیرضا شاه حسینی (ناشر محترم) و مهندس محمد رضا گودرزی (شاعر خوش ذوق پروری) که وقت گران‌بهای خویش را

مدت‌ها صرف این اثر نموده‌اند و مهندس احسان ابراهیمیان که واژه‌های نصاب این کتاب را به دقت آوانگاری کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

محمد رضا جدیدی *

مدیر مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان

www.ketab.ir

مقدمه

به نام پروردگار سبحان

با سلام و عرض ادب به پیشگاه اصحاب فرهنگ و ادب ایران زمین، به سفارش و توصیه دوستان دانش پژوه، به نگارشگر این سطور تکلیف گردید، مطلبی در خصوص اصالت‌های مدنی و فرهنگی این مرز و بوم به ویژه این استان پر نشیب و فراز تاریخ مدار و باستان محور، به عنوان مقدمه این اثر گران قدر به نگارش در آید، به گونه‌ای که گوشه‌هایی از مبهمات گونه‌های گفتاری و گویشی و زبانی را نیز پاسخگو باشد.

تردیدی نیست که شهرها، روستاها و ایلات استان سمنان، دارای متنوع‌ترین نمونه های گفتاری در مقایسه با سایر استان‌ها می‌باشد. گاه یک پژوهشگر آگاه از این همه گونه گونی و تنوع گفتاری در مقایسه با یکدیگر در بین اقوام و مکان‌ها، حیرت می‌کند. در واقع چنانچه گفته شود در این استان، پرشمارترین مجموعه از نمونه های بیانی وجود دارد، سخنی به گراف نیست، آن هم در فواصلی که گاه موجب شگفتی دو چندان می‌شود. در جای جای این سرزمین سراسر اسرار، گویش‌هایی هنوز زنده‌اند که ریشه در تاریخ باستان دارند. از طرف دیگر، در حواشی این گویش‌های شیرین لهجه، با مسافت‌هایی نه چندان دور، نیم گویش‌هایی همچنان گویا و پویا در بین گویشوران خود، نشو و نما دارند.

گفتنی است که انواع لهجه های محلی نیز در شهرها و شهرچه های استان رواج

معمول را دارد که هر کدام با دیگری و نیز با لهجه معیار فارسی چه از نظر لحن و ادا و چه از نظر ویژگی‌های شناسه‌ای، تفاوت‌های قابل توجهی دارند. در ضمن یادآوری می‌شود که شماری نمونه‌های زبانی نیز، زبانوران خود را دارد که نیاکان این زبانوران در ادوار مختلف تاریخی، از اقوام هم‌زبان خود به دلایلی که در حوصله این مقدمه نیست، جدا مانده‌اند و به مرور با تأثیراتی که از اقوام هم‌جوار خود و یا از مناسبت‌های محیط زندگی خود پذیرفته‌اند، به گونه‌ای حضور دارند. در کنار و در متن همه این گونه‌ها، زبان فارسی نیز در جای جای این استان گویش پرور، در کسوت معیار و یا زبان فارسی شبیه معیار در قالب لهجه، خودنمایی می‌کند.

پس به یقین استان سمنان یا ولایت کومش، در زمره استان‌های پرگویش است و در زمینه لهجه‌ها نیز پرشمار و از منظر تنوع زبانی نیز قابل توجه می‌نماید. چرایی این همه تنوع زبانی و گویشی و لهجه‌ای برمی‌گردد به دیرینگی تاریخ این مرز و بوم و تحولات هزاره‌ها و درون سده‌ها که این تفاوت‌های بیانی و افتراق‌های زبانی را سبب شده است.

شایان یادآوری است هر کدام از این الگوهای گفتاری، دنیایی فرهنگ و مدنیت و بارقه‌هایی از تمدن بشریت را از ژرف‌ترین زوایای تاریخ کهن و عهد باستان گرفته تا دوره میانه و عصر معاصر، به عنوان میراث گران‌بهای گذشتگان و درگذشتگان با خود همراه دارند.

جالب است بدانیم از منظر اهل نظر و اصحاب اندیشه، هیچ میراثی پربه‌تر و ارزنده‌تر از میراث زبانی و گویشی، چه نوشتاری و چه گفتاری سراغ نداریم. خوب که دقت کنیم، گاه ما زیباترین جلوه‌های اندیشه بشری و حکمی‌ترین نکته‌های انسان

زیستی را در لابلای همین گویش‌های محلی و زبان‌های بومی می‌یابیم که در بازه‌های تاریخی، از کوره تجربیات عبرت آموز بشری ناشی شده و از آفرینش‌های ناب ذهن خلاق انسانی نشأت گرفته است.

گفته شده بیشتر مردمان اساساً دارای سه زبان و یا گویش هستند.

اول: گویش و یا زبان محلی و بومی که انسان با قوم و ایل و طایفه و هم‌دیار خود مناسبات گویشی و گفتاری و بیانی دارد، مانند گویش‌ها و زبان‌های شه‌میرزادی، اقتری، سمنانی، سنگسری، سرخه‌ای، الیکایی، ترکی اصانلو (گرمسار)، کُردی کرمانجی، لاسجودی و...

دوم: زبان کشوری که رسمیت قانونی و مملکتی دارد و زبان ملی یک ملت به شمار می‌رود و گستره روابط و مناسبات‌های دیوانی و رسانه‌ای و فرهنگی کلان را پاسخ می‌دهد و معمولاً دولت‌ها و حکومت‌ها به دلایل سیاست‌ها و ملاحظات مدیریتی و کشورداری، مشوق و پشتیبان و پشتوانه آن هستند.

سوم: زبان جهانی یا زبان مشترک بین ملت‌ها و دولت‌ها که نیاز مشترک ارتباطی انسان‌های همه کشورها را پاسخگو باشد که اکنون زبان انگلیسی خواسته و یا ناخواسته در این جایگاه قرار گرفته است.

خوبست دانسته شود در دیگر ادوار تاریخی، زبان‌های دیگری نیز این نقش زبان علمی و یا زبان مشترک بودن را به صورت جهانی و یا قاره‌ای و یا منطقه‌ای و یا فرا منطقه‌ای ایفا کرده‌اند. مثلاً در دوره‌ای از تاریخ اروپا، زبان لاتین ایفاگر نقش زبان علمی و قاره‌ای بوده است و نیز زبان عربی، در ادواری از حکومت‌های خلیفه‌گری اسلامی، زبان مشترک حوزه‌ها و قلمرو تحت سیطره بوده است و همچنین زبان

فارسی که امروزه فقط محدود به سه کشور فارسی زبان می‌باشد، روزگاری، زبان فرهنگ و ادب و سیاست فرا منطقه‌ای از ترکیه تا فراسوی هندوستان و قسمتی از آسیای میانه بوده است. همچنین زبان فرانسه در عصر رنسانس و پس از آن در بیشتر جوامع و کشورها یک زبان فرا قاره‌ای به شمار می‌رفت.

اتفاق افتاده دانش طلبانی در راستای دانش افزایی خود پرسیده‌اند، وقتی زبان‌های کشوری و زبان جهانی می‌توانند تمامی نیازهای بیانی و مدیریت سخن زیستی ما را در همه زمینه‌ها برطرف کنند، پس چه نیازی است که دغدغه گویش‌های بومی و لهجه‌های محلی را داشته باشیم و خود را ملزم به پاسداشت آن‌ها بدانیم که پاسخ به سؤالاتی از این دست را بارها اهل معنا داده‌اند:

یکی: این که گویش‌ها از نظر فرهنگی و تاریخی، یک رسانه قوی انتقال تجربیات ارزشمند بشری هستند و دانسته‌های زرفای سده‌ها و هزاره‌ها را به عصر معاصر و آیندگان انتقال می‌دهند و سبب تداوم حلقه‌های رنجیر اندیشه جوامع انسانی می‌شوند.

دو دیگر: گویش‌ها در واقع، در حکم شناسنامه گویشوران خود هستند و خطوط فکر و اندیشه نیاکان یک قوم و عشیره را برای آیندگان، نمایان می‌سازند.

سه دیگر: برخی واژگان و شاخصه‌ها و شناسه‌های ساختاری موجود در گویش‌ها را می‌توان به ضرورت در ملاحظات واژه‌گزینی زبان‌های کشوری لحاظ کرد.

چهارم: برخی گویش‌ها همانند آب زلال چشمه سارها، از خلوص و دست نخوردگی بیشتری نسبت به زبان‌های دیگر برخوردارند و از این بابت در تبار نویسی اقوام و شجره پردازی زبان‌ها و ریشه شناسی واژگان و در ساختار شناسی دستوری و

در مناسبات آوایی و شنیداری، کاربردی بی بدیل دارند و می‌توانند بسیار مورد توجه باشند.

پنجم: در جوامع گویش محور، گویش‌ها، فی نفسه بین گویشوران خود نوعی همبستگی و غلقه‌های معنادار ویژه ایجاد می‌کنند و این نوع الفت و همدلی که ناشی از هم‌زبانی و هم‌گویشی است، تا جایی که در تقابل با مصلحت‌های ملی قرار نگیرد، نوعی امنیت ذهنی و ارضای خاطر گویشوران را به دنبال دارد.

ششم: هر گویشی برای گویشوران خود در واقع یک ورقه هویت اجتماعی است و انگاری آن گویش مورد نظر را پشت قباله آن گویشور محترم نوشته‌اند و در ضمیر آگاه و ناخودآگاه او نقش زده‌اند.

هفتم: هر گویشی از نظر ساختاری و آوایی و واژگانی از نمادها و شاخصه‌ها و شناسه‌های خاصی برخوردار است که این ویژگی‌ها، بعضاً در نمونه‌های کلامی دیگر دیده نمی‌شود و از این منظر، هر گویش در نوع خود بی نظیر و بی بدیل می‌نماید. به این دلیل و بنا بر دلایل دیگر، لازم است در پاسداشت و گرامی داشت گویش‌های سرزمین و استان خودمان بسیار کوشا و ساعی باشیم.

در خلال این مقدمه خوبست اشاره‌ای هم داشته باشیم به این که برخی علاقمندان، ابهاماتی در مورد وجه افتراق گویش‌ها و لهجه و زبان دارند که اگر بخواهیم مفصل وارد این بحث شویم، سخن به درازا می‌کشد که شاید در حوصله خوانندگان عزیز نباشد ولی با رعایت اصل خلاصه گویی می‌گوییم که گویش در واقع همان زبان است و همان تعریف زبان را دارد و فقط تفاوت در این است که یک زبان معمولاً رسمیت کشوری دارد و یا متعلق به یک قومیت نسبتاً بزرگ تاریخی و یا

معاصر است که اغلب از پشتوانه‌های حکومتی و یا رسمیت تاریخی سود می‌برد، در حالی که گویش‌ها در مناطقی محدود و گاهی محصور، کاربرد محلی و بومی دارند و اساساً میدانی نیافته‌اند که کشوری شوند و یا فراگیر گردند. البته اگر چنانچه گویشی این شانس و اقبال را نیابد که فراگیر شود و یا در مقام و جایگاه زبانی کشوری قرار گیرد، به هیچ وجه از ارزش‌های ساختاری و هویتی آن چیزی کاسته نمی‌شود.

مثالی می‌زنیم که می‌تواند تا حدودی روشنگر این مبحث باشد: در مثل می‌گوییم: ماهی، ماهی است چه در دریا باشد و چه در برکه باشد. ولی ماهی دریا این امکان را دارد که مسافت زیادی را در سفر باشد و هم می‌تواند گنده و گنده تر بشود. حال آن که ماهی موجود در برکه در جابجایی و استفاده از امکانات محدودیت دارد و از بخت و اقبالی برخوردار نشده که دریا رستی را تجربه کند و نیز به نسبت، خطر زوال بیشتری را در پی دارد. به هر روی ماهی برکه از ویژگی‌ها و ارزش‌های ماهی بودن، چیزی کم ندارد.

و اما در باره لهجه باید بگوییم: لهجه عبارت است از قدری تغییرات آوایی و واژگانی نسبت به یک زبان معیار به عبارت دیگر الگوی گفتاری که نسبت به یک زبان معیار قدری تفاوت‌های آوایی و واژگانی و ریتمی داشته باشد. مانند لهجه اصفهانی و لهجه یزدی و لهجه فارسی گویی یک ترک زبان و لهجه گرمساری و لهجه شاهرودی و لهجه دامغانی و یا شیرازی که نسبت به زبان مثلاً معیار تهرانی و یا نسبت به لهجه گویندگان رسانه‌های ملی، وجه افتراق دارد.

این لهجه‌ها، گاه شیرین و خوش لهجه نیز می‌نماید و این بستگی به تلقی شخص و یا قومی شنوندگان و مخاطبان این لهجه‌ها دارد. لازم به توضیح است که

گویشورانی هم که به فارسی کشوری صحبت می‌کنند، نوع و لحن بیان آنان را می‌توانیم لهجه بگوییم. مثلاً یک گویشور عزیز سنگسری وقتی به زبان شیرین فارسی صحبت می‌کند، لحن بیان او را «لهجه سنگسری» می‌نامیم که از منظر مخاطبان و شنندگان گاه گوش نواز می‌نماید.

یاد آور می‌شویم همه گونه‌ها و نمونه‌ها و الگوهای بیانی و گفتاری اعم از گویش‌ها و زبان‌ها و لهجه‌ها از نظر اعتباری و ارزشی، هر کدام جایگاه ویژه خود را دارند و به عنوان پدیده‌ها و میراث گران‌بهای بشری قابل احترام هستند و جا دارد پاسداشت آن‌ها دغدغه و دل‌مشغولی همگان باشد.

در خاتمه امید است دوستان قلم به دستی که در زمینه اشاعه فرهنگ‌های اصیل بومی و نمونه‌های گویش‌های محلی این ولایت قلم فرسایی می‌کنند، همچنان موفقیت‌های معنوی را شاهد باشند و اندیشه‌های روشنی بخش آنان چراغ راه آیندگان این مرز و بوم باشد.

دکتر فریدون اعوانی

ادبیات تعلیمی

یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر در ادبیات فارسی، شعر تعلیمی است و هدف از این نوع شعر، آموزش است. گذشتگان صاحب تعلیم از ابزار شعر استفاده می‌کردند، چون کلام آهنگین، زودتر به خاطر سپرده می‌شود و بیشتر در ذهن ماندگار است. آثار تعلیمی بر دو گونه است:

۱- نوع اول: آثاری که در موضوع لغت و آموزش علمی و ادبی است و قصد تعلیم موضوعی خاص کرده‌اند و چون اراده هدفی خاص شده، از نظر خیال انگیزی و عرضه هنر، پر مایه و دل انگیز نیستند بلکه فقط از موزونی سخن، قصد آموزش دارند. از جمله این آثار در زبان عربی، «الفیه ابن مالک» مورد مثال است که هزار بیت در آموزش صرف و نحو عربی است و شرح‌های مختلفی هم بر آن نوشته‌اند که «تحفه احمدیه» استاد احمد بهمنیار در زبان فارسی و «شرح ابن عقیل» از قاضی القضاة معروف سده هشتم هجری، بهاء‌الدین عبدالله بن عقیل العقیلی همدانی مصری، در عربی از آن جمله است.

۲- نوع دوم: بر عکس نوع اول از نظر جنبه‌های هنری در نهایت قوت و قدرت و زیبایی و آراستگی و از حیث محتوا، بیانگر مباحث اخلاقی و زهد و پند و حکمت و عرفان و... است و از این بابت، بسیار گسترده‌تر و دامن‌درازتر از ادبیات تعلیمی غرب به شمار می‌رود.

«نصاب الصبیان» تألیف ابونصر محمد بن ابوبکر فراهی، لغوی و شاعر ایرانی در نیمه اول قرن هفتم، در شهر «فراه سیستان» متولد شد. می‌گویند که وی کور مادر زاد بوده است. اثر معروف فراهی «نصاب الصبیان» است که در آموزش لغت و سالیان دراز کتاب‌های درسی مدارس قدیم بوده است و چون دویست بیت دارد نام آن را «نصاب» گفته‌اند، زیرا در اسلام حد نصاب زکات نقره، دویست درهم است. در این دویست بیت، ۱۲۲۲ واژه‌ی عربی، معنی شده است. البته بعدها عده‌ای ناشناس، ابیاتی بدان افزوده‌اند.

این کتاب لغت نامه عربی و فارسی و به نظم است و در یادگیری کودکان بسیار مؤثر بوده است. متأسفانه، چند سالی است که از آن غافل مانده‌اند. بر کتاب نصاب، شروخی چند نوشته شده از جمله شرح کمال بن جمال بن حسام هروی به نام «ریاض الفتیان» را می‌توان ذکر کرد.

سید شریف جرجانی، ادیب و استاد ممتاز در صرف و نحو و معانی و بیان و فلسفه، نیز شرحی بر کتاب «نصاب الصبیان» نوشته است.

نکته قابل توجه در مورد «نصاب سمنانی» شعرهایی است که به ضبط و ثبت واژه‌ها، اختصاص دارد و جنبه ماندگاری و تعلیمی آن حائز اهمیت است و به پیروی از نصاب الصبیان، این نام را برگزیده‌اند، در حالی که «نصاب الصبیان» چون دویست بیت است اطلاق این نام، درست می‌نماید.